تحلیل

پنج استراتژی تامین پایدار

اگر پایداری یکی از اصول تامین یک شرکت باشد، منجر به کاهش هزینه‌ها، بهبود وجهه اجتماعی و رابطه با ذی‌نفعان می‌شود. یک پژوهش جدید نشان می‌دهد که چنین موضوعی مورد توجه شرکت‌ها قرار گرفته است. در حقیقت، در سال جاری پایداری یکی از اولویت‌های اساسی در ۷۱درصد از برنامه‌های تامین و تدارکات شرکت‌هاست؛ رقمی که افزایشی ۱۳ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۱ را نشان می‌دهد. نهادینه ساختن پایداری در شیوه تامین و همکاری با حلقه‌های زنجیره تامین نیازمند سیاست و معیارهای دقیقی است. به‌عنوان مثال ممکن است تعهد تامین‌کنندگان به استانداردهای زیست‌محیطی با استفاده از مواد اولیه پایدار مورد توجه باشد.

شاید هم انتظار برود که تامین‌کنندگان حتما گواهینامه‌ها یا داده‌ها و کارت‌های امتیاز پایداری داشته باشند که عملکرد آنها را در مدیریت سیستم‌ها و شاخص‌ها به خوبی نشان دهد؛ به‌عنوان مثال روشن شود که دقیقا میزان مصرف آب آنها، بهره‌وری انرژی و پایبندی به اخلاقیات کارگری چقدر است. چنین معیارهایی در انتخاب تامین‌کنندگان پایدار و تشویق آنها به بهبود هرچه بیشتر عملکردشان کمک می‌کنند. ما به‌عنوان بخشی از پژوهش خود به بررسی و تحلیل برنامه‌های تامین بیش از ۶۰۰ سازمان در سراسر جهان پرداختیم. متوجه شدیم که ۱۰ درصد از این برنامه‌ها از نظر مدیریت پایداری زنجیره‌های تامین بسیار پخته‌تر از بقیه هستند. چه عواملی منجر به این پختگی و بلوغ شده بود؟ احتمالا ۵ استراتژی زیر:

۱- یافتن دوستان و شرکایی برای همکاری

مدیریت اجرایی تامین، یک فرآیند مستمر و نیازمند مشارکت عملی ذی‌نفعان است. این فرآیند به‌ویژه زمانی به نتیجه می‌رسد که مدیران ارشد همه شرکا متعهد به کار باشند و داده‌های پشتیبان را هم فراهم کرده باشند. اگر طرح توجیهی مناسبی برای تامین پایدار تهیه شده باشد، مشارکت واحدهای مختلف سازمانی و ذی‌نفعان گوناگون را می‌توان به‌دست آورد. تامین پایدار زمانی به‌دست می‌آید که فعالیت‌های مالی، پایداری، عملیاتی، بازاریابی، مدیریت ریسک و حقوقی نیز با آن هماهنگ باشند؛ به این صورت که می‌توان با بودجه‌بندی مناسب، هماهنگی کاملی در سطح سازمان و پس از آن در سطح کل زنجیره تامین به‌دست آورد.

۲- بها دادن به داده‌ها

داده‌های دقیق و قابل اتکا لازمه تصمیم‌گیری‌های پایدار در زنجیره تامین است. این موضوع به‌دلیل دشواری و سرمایه‌گذاری‌های موردنیاز اغلب نادیده گرفته می‌شود؛ ولی بررسی‌های مانشان می‌دهد که پایدارترین الگوهای جهانی، همواره به سنجش و نظارت بر فعالیت‌های خود اهمیت می‌دهند. از این طریق مشخص می‌شود که نتایج تصمیمات چه بوده است و در چه زمینه‌هایی جای بهبود وجود دارد. در حال حاضر، فقط ۲۵درصد از شرکت‌های جهانی یکپارچگی لازم بین سیستم‌های دیجیتال واحدهای مختلف خود را ایجاد کرده‌اند و فقط ۸درصد از آنها یکپارچگی سیستمی با شرکای خود در زنجیره تامین دارند. البته الزامات قانونی در سال‌های پیش‌رو، این رقم را بالا خواهد برد.

۳- مشارکت دادن عمیق تامین‌کنندگان

مدیران تامین می‌دانند که بدون مشارکت تامین‌کنندگان، برنامه‌های آنها به نتایج کافی نخواهد رسید حتی یکپارچگی سیستم‌های دیجیتال کل زنجیره تامین و اطلاع آنی تامین‌کنندگان از سفارش‌های جدید خریداران نهایی نیز کافی نیست. آنها باید نسبت به اهداف پایداری سازمان متعهد باشند. این تعهد باید به‌طور منظم بررسی و ارزیابی شود (فقط ۵۰درصد برنامه‌های تامین بررسی‌شده در این پژوهش چنین کاری را انجام می‌دادند). درصورت حصول چنین مشارکت عمیقی بین حلقه‌های تامین، فرایندهای یادگیری و نوآوری نیز تسریع می‌شوند. یکی از راه‌های تشویق تامین‌کنندگان به چنین مشارکتی، همکاری‌های تجاری بلندمدت با آنها و سهیم کردن آنها از سود و زیان نهایی است.

۴- استفاده از فناوری‌ها برای افزایش شفافیت

حدود نیمی از شرکت‌های مورد بررسی ما، درک خوبی از میزان پایداری فعالیت‌های تامین‌کننده مستقیم خود داشتند. با این حال، شناخت تامین‌کنندگان غیرمستقیم و درجه دوم فقط ۵درصد بود. این نقص نشان می‌دهد که هنوز شرکت‌ها به شناخت کافی نسبت به حلقه‌های اولیه زنجیره تامین خود نرسیده‌اند. به این صورت، با آنکه یک شرکت و حتی تامین‌کننده مستقیم آن ممکن است نسبت به اهداف زیست‌محیطی و ارزش‌های اجتماعی متعهد باشند، تضمینی بر پایدار بودن کامل محصولات آنها وجود ندارد. مشتریان و افکار عمومی به‌ویژه در سال‌های پیش‌رو خواهان چنین شفافیتی خواهند بود. خوشبختانه فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی می‌توانند افزایش شفافیت و تضمین داده‌های مرتبط با کل چرخه عمر یک محصول را فراهم آورد.

۵- اطمینان از مهارت‌های مناسب تامین‌کنندگان

برای آنکه یک شرکت به پایداری کامل و عملی دست یابد نیاز به کارکنانی در زنجیره تامین خود دارد که دو ویژگی داشته باشند: نخست دانش لازم نسبت به پایداری زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی و دوم انگیزه و تعهد کافی نسبت به آنها در این حوزه. هنوز بسیاری از شرکت‌ها جای کار دارند. در پژوهش ما مشخص شد که ۴۳درصد از تامین‌کنندگان، تعهدات مشتریان خود به پایداری را فقط روی کاغذ مهم می‌دانند. مدیریت پایداری زمانی موثر می‌افتد که در شرح شغل کارکنان، ترفیع و جبران خدمات خود را نشان دهد. همچنین باید اطمینان حاصل شود که کارکنان تامین‌کنندگان نیز دانش و مهارت‌های لازم برای پایدارسازی فرآیندها را به‌دست آورده‌اند.

نویسندگان: Pierre-François Thaler و Matias Pollmann-Larsen
مترجم: مهدی نیکوئی

اصلاح اساسنامه ۳ سازمان شهرداری کرج در صحن شورا تصویب شد

سخنگوی شورای اسلامی شهر کرج از بررسی اساسنامه ۳ سازمان شهرداری کرج در صحن شورا و تصویب آن خبر داد.

به گزارش پیام آشنا: عمار ایزدیار در پایان جلسه ۱۶۷ رسمی شورای اسلامی شهر گفت: در جلسه امروز، اعضای شورا اساسنامه‌های سازمان‌های آرامستان‌ها، مشاغل شهری و سازمان قطار شهری کرج را که قرار است در آینده نزدیک بر مبنای ماده ۸۴ قانون شهرداری‌ها، به صورت مستقل اداره شوند، بررسی و تصویب‌نمودند.

ایزدیار افزود: اساسنامه های سازمان‌های یاد شده از طریق سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور به شورای اسلامی شهر ارسال شده بود.

سخنگوی شورای اسلامی شهر کرج اذعان کرد: در جلسه امروز که با حضور اعضای شورای اسلامی شهر کرج، شهردار، معاونین و مدیران شهرداری، رئیس و مدیران سازمان قطار شهری کرج برگزار شد، اقدامات سازمان قطار شهری در سال ۱۴۰۳ و برنامه‌های پیش روی سازمان در راستای خدمات رسانی بهتر به شهروندان بررسی گردید.

ایزدیار میزان پیشرفت پروژه قطار شهری را در مجموع ۶۱/۵۱ درصد اعلام کرد و گفت: پیشرفت فیزیکی ایستگاه شهید سلطانی به میزان ۷۴/۷۴ درصد رسیده است و همچنین تست گرم مترو تا ایستگاه شهید سلطانی نیز در هفته گذشته انجام شده است و در آینده مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت.

سخنگوی شورای اسلامی شهر کرج خاطرنشان کرد: تاکنون ۱۰۰۰ میلیارد تومان اعتبار به پروژه قطار شهری کرج تزریق شده است که پیشرفت پروژه از جمله ۱۰ هزار تن آرماتوربندی و ۸۵ هزار متر مکعب بتن ریزی را به دنبال داشته است.

ایزدیار در پایان افزود: راه اندازی شرکت بهره‌برداری متروی کرج، پیگیری ورود رام دوم قطار شهری از تعمیرگاه و همچنین بهره‌برداری از ایستگاه‌های میانی در برنامه مدیریت شهری کرج است.

گزارش اختصاصی

سفر به قلبِ تاریخیِ استان یزد

رازهایی که روستای توران پُشت برایتان فاش می کند

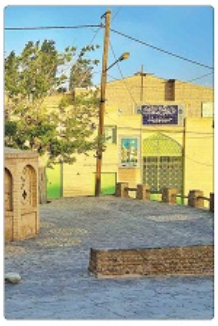

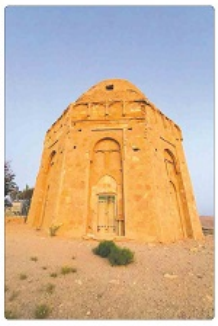

تمام مرها باز است؛ نه تنها قفل نیست بلکه باز باز است؛ درهای حیاط، درهای ورودی، ماشین‌ها هم حتی درشان قفل نیست. برای ما که در شهر پرجمعیت و پُر جنب‌وجوشی زندگی می‌کنیم و گاهی از ترس ربوده شدن کیف و گوشی و... مسیرهای پیاده را با احتیاط و ترس می‌پیماییم، این موضوع به قول دهه هشتادی‌ها قفل قفل است! همه‌ی اهالی روستا هم‌دیگر را می‌شناسند و مهمان‌نوازند تو را به خانه‌هایشان دعوت می‌کنند بوی نان تازه و سردی آب زلال چشمه‌ها مستت می‌کند.

اینجا روستای توران پُشت است قدیمی‌ترین روستای استان یزد با قدمتی حدود پنج هزار سال. آثار طبیعی و تاریخی فراوانی دارد که برای دیدنش دو سه روز بسیار کم است؛ می‌دانیم اما سعی می‌کنیم نهایت استفاده را ببریم.

بعد از ۱۱ ساعت رانندگی از کرج به یزد، در مسیری سینوسی که دو سمتش تا چشم کار می‌کرد، دشت‌ها و کوه‌های کوتاه‌قد بود. پُستِ تپه‌های طلایی با درختچه‌های کوچکی که تُنک رویش روییده بودند، ۶۰ کیلومتری شهر تفت، به روستای توران پُشت رسیدیم؛ روستایی مرتفع در دامنه‌های جنوبی شیرکوه، با آفتابی سوزان اما بادهایی خنک و دلپذیر که شبها چنان شدّت می‌گرفت که بدون لباس گرم، سرما می‌خوردی.

اولین جایی که بازدید کردیم، کمی دورتر از تخت رستم، روی تپه‌هایود که هرچه جلوتر می‌رفتی، آب جوشان بیشتر می‌شد. آبی روان با املاح آهکی از دل زمین، پیرامون چشمه اما تپه‌هایی از املاح به شکل ورقه‌ای روی هم ایجاد شده بودند که نشان از خشک شدن روزنه‌های دیگر چشمه داشتند. اما آب راهش را از میان خاک به بیرون پیدا کرده بود و در نقطه‌ای دیگر فوران می‌زد.

یکی از اهالی به ما گفت معادن سنگی که پیرامون این محدوده در دست احداث است، یک تهدید جدی برای اکوسیستم منطقه و این چشمه‌های جوشانِ طبیعی‌ست.

چهل‌دختران؛ بقعه‌ای بازمانده از قرن ششم هجری

از هرجای روستا که عبور می‌کردی، دو بقعه‌ی قد کشیده در ارتفاعات با معماری سنتی، توجهت را جلب می‌کرد؛ بقعه‌های "شیخ جنید" و "چهل‌دختران". این بقعه‌ها بر تپه‌های مشرف به روستا ساخته شده‌اند. البته دو بقعه‌ی دیگر "سید گل سرخ" و "پیرمراد" هم در این نقطه بوده‌اند که متاسفانه تخریب شده‌اند. بقعه‌ی چهل‌دختران که قدمتش به قرن ششم هجری شمسی می‌رسد در فهرست آثار ملی نیز ثبت شده است.

در اطراف بقعه‌ها، یکی از قبرستان‌های قدیمی توران‌پشت به چشم می‌خورد؛ قبرستانی بر فراز تپه‌ی مرتفع که وقتی رویش ایستادی کل توران‌پشت زیر پایت است. یکی از اهالی می‌گوید: "پدرم قبرش را همین‌جا انتخاب کرده است؛ گفته دوست دارم بعد از مرگم رو به طلوع خورشید باشم."

خانه‌های سنگی و چشمه‌هایی که جای جای روستا وجود دارد و از ارتفاعات به داخل باغ‌ها راه خود را باز کرده‌اند، منظره‌ای صلح‌آمیز و لذت‌بخش پدید آورده است. صدای پرندگان از لابه‌لای درختان کهن‌سال به گوش می‌رسد.

سن اهالی روستا بالاست. لنگار زمان اینجا متوقف شده و زنان و مردان پیرِ روستا با آرامش در خاطراتِ گذشته‌ی خود غوطه‌ورند.

توران‌پُشت گنجینه‌ای است برای آیندگان که صیانت از آن بسیار دشوار می‌نماید. اینجا روستایی‌ست که هویت یزد را رقم می‌زند و جاذبه‌های طبیعی و تاریخی و منحصر به فردِ آن، نیاز به احیای مدوّم و مستمر دارد.

قلعه‌ی قدیمی توران‌پُشت؛ رویه تخریب

آخرین جایی که می‌بینیم، قلعه‌ی تاریخی روستاست. اهالی می‌گویند: "قدیم‌ترها گفته بودند زیر در، سنگی و با عظمت قلعه. لماس نظر شده به همین دلیل برخی از سودجویان در سنگی را تخریب کردند!"

به همین دلیل احیای کالبدی این فضاها یک ضرورت انکارناپذیر است و علاوه بر حفظ و صیانت از فرهنگ و تاریخ باستان روستاها به جذب گردشگر و توسعه اقتصادی کمک خواهد کرد.

هرچند از دید تیم بازدیدکننده و روستا که از استان البرز آمده، اقدامات انجام شده در روستای دورافتاده‌ی توران‌پُشت و توجه ویژه اهالی به حفظ و نگهداری بافت کالبدی بسیار از رشمند و مثال زدنی است و مسئولان استان البرز می‌توانند با الگوبرداری از اقدامات انجام شده چه در داخل روستاهای یزد، فضای واقعی، چه در فضای مجازی برای معرفی جاذبه‌های گردشگری، به ارتقای هویت استان البرز از منظر تاریخی و فرهنگی بپردازند.

سفر کوتاه ما با دیدن تصویر پر عظمتی از ستاره‌های پُرشمار در شب صاف و بدون ابر توران‌پشت در کنار یکی از چشمه‌های زلالی که محل تأمین آب اشلمینه روستاست، به پایان می‌رسد. آسمان سیاه و باد خنکی که می‌وزد، صدای حیوانات در دورستها، نقطه‌های نورانی پایین تپه‌ها که هر کدام نماینگر یک خدای گرم و صمیمی روستایی‌ست و با نزدیک شدن به نیمه‌شب یکی یکی خاموش می‌شود، چنان صلح‌آمیز و دلنشین است که دلت می‌خواهد تا ابد در همین نقطه بمانی و به تماشای ستارگان مشغول باشی.

نسترن کیوان‌پور
Nastaran.keyvanpour@gmail.com

بهار آشپز خانه تهرانی‌ها تعطیل می‌شد!

هوا که گرم می‌شد و بهار از راه می‌رسید آشپزخانه‌ها تعطیل و غذای تهرانی‌های قدیم می‌شد سبزی و صیفی و میوه که با نان نوش جان می‌کردند.

همشهری آنلاین - تصبیه سجادی: تهران صد سال پیش، کمی این‌ور و آن‌ور، خوش آب و هوا بود و بر از زمین های حاصلخیز و باغ های فراوان و نهرهایی که در کوچه ها و خیابان هایش جاری بود. با مردمانی قانع و سختکوش که حاصل تلاششان در این زمین ها و باغ ها را بار چرخ‌های طوقلی می کردند و صبح خروس خوان با آوازهایی بی قافیه و با وزن در کوچه پسکوچه ها شروع می کردند به فروش و زنان نیز با آن غذاهایی درست می کردند مناسب فصل و باب طبع خانواده بود.

بهار که می آمد میوه ها و سبزی ها از تهران و روستاهای اطراف روانه بازار و همراه با آن سبک زندگی و تغذیه مردم عوض می شد. تصرالله حدادی، تهرانشناس، می گوید «همین که وارد اسفند می شدیم هوا رو به گرم شدن می گذاشت و کم کم شور زندگی در مردم رخ می نمود. این شور و تحرک در بهار به اوج خودش می رسید. میوه ها هم کم کم می آمد. گوجه سبز و توت، سیب قندک، سیب گلاب، گرمک، طالبی های بسیار خوشمزه و... و.»

حدادی در باره زندگی بهاره تهرانی‌ها چنین می گوید: «یکی از خصوصیات تهرانی ها این بود که صبح زود از خواب بیدار می شدند یک سری از مشاغل اصلا صبحگاهی بود. مثل توت فروشی یا سیرابی فروشی که روی چرخی ها در صبح زود انجام می شد. سبزی هم در تهران بسیار فراوان و ارزان بود. هر چرخی و هر الاغی بار سبزی و میوه داشت. ۶۵ سال پیش یادم می آید در همین امیریه پیرمردی بود که یک الاغ سفید قوی جثه داشت. تیرماه که اول سیب قندک می آمد بعد سیب گلاب، پیرمرد، یک گالُه (بارِبند پشت خر) را با سیب گلاب و گاله دیگرش را با سیب قندک پر می کرد و وسط آن چراغ زنبوری می گذاشت. وقتی که همه سیب ها را می فروخت و می رفت تا مدتی عطر گلاب در کوچه بود. خیار دولاب عطری داشت نگفتنی.»

حدادی تاکید می کند که میوه بهاره در تهران با چغاله بادام شروع و با زالزالک تمام می‌شد.

هوا که گرم می شد اول از همه قصابی ها تعطیل می شد، چون مردم بسیار کم گوشت می خوردند یا اصلا نمی خوردند و زن ها شروع می کردند به غذا درست کردن با محصولاتی که زمین به آنها هدیه کرده بود. حدادی می گوید: «با ورود به فصل گرما کار خانم ها راحت می شد به خاطر اینکه آمدن انواع سبزی ها مثل کدو مسمایی، بادمجان، گوجه و... گلرها را آسان می کرد. خانم ها دست شان باز بود در آشپزی. هر میوه ای که می آمد تنگ غذا می زدند و می شد. یک وعده نهار یا شام مثلا نان و پنیر و سبزی، نان و پنیر و هندوانه یا طالبی، گرمک، انگور و خیار، هر کدام که می آمد یک جوری مکمل بودند بر سر سفره و می شد غذای اصلی مردم.»

حدادی با بیان اینکه بیش از ۹۵ درصد تهرانی ها هر روز در روزهای بهار غذای سبک می خوردند می افزاید: «پایه همه غذاها تا آمدن زمستان دیگر و سرد شدن هوا سبزی بود و صیفی. این طور نبود که فقط افرادی که نداشتند و فقیر بودند از این غذاها بخورند. نه! آدم‌های دارا هم غذایشان همین بود.»

حدادی خاطره‌ای هم در این باره تعریف می کند «وجه که بودم ۷۰ سال پیش روی نان های سمنانی «پیشنگ» می دیدم آب را به دستمان می ریختم و روی نان می پاشیدیم و با پنیر خیکی می خوردیم. هنوز مزه‌اش زیر زبانم است. نان و سکنجبین و کاهو هم یکی از وعده های غذایی ما در شب های بهار و تابستان بود.»

آلبالوپلو، آش گوجه، خورش گوجه سبز، کدو مسمایی، بنیمجه و کشک بادمجون از دیگر غذاهای رایج آن سال های مردم تهران بود.

دیدگاه

قوس، در میان همه‌ی فرم‌های ساختمانی، احساسی‌ترین آن‌هاست

لویی سالیوان

قوس، در میان همه‌ی فرم‌های ساختمانی، احساسی‌ترین آنهاست. قوس مستعد امکان و نوید بالاترین درجه‌ی تحقق است که تصور خلاق می‌تواند پیش‌بینی کند. اعطاف‌پذیری آن بی‌حد و مرز است. همانند خود انسان او می‌تواند به قوس سخت‌ترین، ظریف‌ترین و خلاقانه‌ترین کاربرد را ببخشد. قوس به هر نیازی پاسخ می‌دهد. در دست انسان، به هر چیزی که او بخواهد تبدیل می‌شود. با همه‌ی قدرتی که دارد، قوس فرمی است ذاتاً نحیف، بالقار، و اثیری که باید همواره قلبی را که با رازهای طبیعت هماهنگ است، لمس کند.

رومیان قوس را همچون چیزی مفید در بند خود نگه داشتند. چینی‌ها با بهره‌یابی بیشتر از آن همچون چیزی مفید استفاده کردند. اعراب، هندوها، و ایرانیان، واژگانی زیبا را به وسیله‌ی آن و درباره‌ی آن گفتند. بخشی از روح آن را شناخته بودند در دوران بیزانسی، رومانسک، و قرون وسطی، دوباره آن را می‌بینید چنان که نیاز بود و فهمیده شد با این حال، تمام این استفاده‌ها محلی، محدود و نمونه‌وار بودند. هیچ جایی شاهد درک کامل و عمیقی از قوس آنطور که هست نیستیم. به همین دلیل است که من با شور بیشتری تلاش می‌کنم تا حقیقت ساده‌ی امکان‌های ذهنی چیزهای عینی را که از حیث قدرت بسط حقیقتی بی‌کران است بر شما روشن کنم. به طور خلاصه برای شما منشا و قدرت زیبایی را توضیح دهم؛ تا به شما نشان دهم که زیبایی در عملکرد و فرم خانه دارد. (در مجموعه مقالاتی با عنوان Kindergarten Chats، منتشر شده در سال ۱۹۰۱، به نقل از کتابی با همین عنوان منتشر شده در سال ۱۹۱۸)

منبع: گفنار

محیط زیست

ایران در وضعیت بیابانی

«احیای زمین، تاب‌آوری در برابر بیابان‌زایی و خشکسالی» شعاری است که امسال، جامعه جهانی برای روز محیط‌زیست انتخاب کرده است. ایران در سال‌های اخیر تلاش‌های بین‌المللی بی‌شماری برای جلب توجه جهانیان به مسئله خشکسالی و گردوغبار انجام داده است.

روشهای مقابله با بیابان در چین

همشهری آنلاین- زهرا رفیعی: سال گذشته نخستین اجلاس جهانی مقابله با گردوغبار با الگو گیری از ایران برگزار شد و قطعنامه پیشنهادی ایران با موضوع «مقابله با توفان‌های گردوغبار» با اجماع جهانی به تصویب رسید. تأکید جامعه جهانی بر «تاب‌آوری» در برابر بیابانی شدن بخش‌های قابل توجهی از زمین، نشان می‌دهد. انسان برای مواجهه با پدیده‌های طبیعی چاره‌ای جز سازگاری ندارد و تا زمانی که به این شکل از منابع طبیعی بهره‌برداری کنیم، وضعیت زمین بهبود نخواهد یافت.

پای کار آوردن کشورها سخت است

علی‌محمد خلجه‌مسبی، بیرگانی، دبیر ستاد ملی گردوغبار؛ بیابان‌زایی به معنای تخریب سرزمین در مناطق خشک و نیمه خشک و مرطوب است. یکی از مصادیق آن توفان‌های گردوغبار است که کشور ما در چند سال اخیر به‌شدت درگیر این پدیده شده است. در ۲ سال گذشته اقدامات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی خوبی داشتیم. ایران برای مقابله با گردوغبار تفاهمنامه‌هایی با عراق و سوریه امضا کرده. همچنین با کشورهای ترکمنستان، قطر، کویت و چین نیز نشست‌های موفقی داشته است. علاوه بر امضای قطعنامه بین‌المللی گردوغبار و تعیین ۲۱ تیرماه روز بین‌المللی مقابله با توفان‌های گردوغبار، توانستیم موضوع ایجادیک مرکز منطقه‌ای را نیز پیگیری کنیم. بیشترین پروژه‌های اجرایی با کشور عراق بوده است. کشور بعدی ترکمنستان خواهد بود. البته اجرایی شدن مفاد این تفاهمنامه‌ها نیاز به نشست و جلسات متعددی دارد. چون اجرای از کشورها اصلا گردوغبار اولویتشان نیست. بنابراین پای کار آوردن آنها تا حدودی دشوار است. در دخل کشور نیز یک برنامه ۱۰ ساله تهیه کردیم و پیشنهاد دادیم که اجرای آن جزو تعهدات برنامه هفتم صورت گیرد که مورد موافقت قرار گرفت.

تاب آوری با بخشنامه به‌دست نمی‌آید

وحید جعفریان، جانشین مرکز بین‌المللی مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز: کار کردن روی موضوع تاب‌آوری نیازمند ملاحظات چندوجهی است و نمی‌توان صرفا با چند بخشنامه به آن دست یافت. برای این موضوع نه‌تنها نیاز به مشارکت مردم که نیاز به حکمرانی خوب است تا منابع مالی درست و به‌موقع در اختیار قرار گیرد. در شرایطی قرار داریم که بودجه فقط یک سال ساخت یک سد چندین برابر بودجه سازمان منابع طبیعی است که مدیریت سه‌چهارم عرصه‌های کشور را برعهده دارد. ساخت سدهای بزرگ فقط تاب‌آوری ما را در شرایط دشوار سخت‌تر می‌کند. از بین رفتن تنوع زیستی، وابسته شدن جامعه مصرف‌گرا به منابع بیشتر، منوط کردن توسعه به دسترسی بیشتر به منابع آب، ساخت کارخانجات بدون توجه به آمایش سرزمین و... نشان می‌دهد که ما چقدر نیازمند بازنگری در نحوه توسعه هستیم. خیلی‌ها تصور می‌کنند به هر شکل فرایند توسعه را انجام دهند و در قبال آن درخت بکارند، درحالی که توسعه نامتوازن با یک پروژه جبران نمی‌شود. سیاست‌هایی که در آن به‌دنبال ایجاد منابع آب جدید، با سدسازی بزرگ است. آسیب جدی به محیط‌زیست و منابع طبیعی وارد کرده است. کاشت درخت البته یک گام ما را جلو می‌برد ولی توسعه نامتوازن ۱۰ گام ما را به عقب می‌راند.